

Strengthening knowledge management and reducing audit costs

- Efat akrami moghadam ^۱
- Mehdi Sharafi ^۲
- Eslam Shardari ^۳

Abstract

Knowledge management in auditing increases the efficiency and effectiveness of auditing; Because it can reduce the time required for the auditor to receive and check customer information and thus reduce the cost of the audit. With this reasoning, the main goal of researchers is to investigate the relationship between strengthening knowledge management and reducing audit costs. The time domain of the research is from the beginning of ۱۳۹۵ to the end of ۱۴۰۱. ۱۳۰ companies were selected for this research. Then, the final analysis of the multiple regression model was done with the help of Stata version ۱۶ software. In this research, ۹۱۰ data (year-company) were examined and analyzed based on the fixed-data panel method. The results showed that knowledge management in auditing has a significant and inverse relationship with audit fees. In addition to these additional findings, the control variable company size has a direct and significant relationship with the dependent variable. In addition, it showed that the independent and control variables in the model were able to explain ۵۷٪ of the changes in the dependent variable.

Key Words: Audit cost, knowledge management, panel data, regression

^۱ Department of Accounting, Payam Noor University, Tehran, Iran. Email: E.akramim@pnu.ac.ir

^۲ Department of Accounting, Payam Noor University, Tehran, Iran. Email: Mahdisharafi@pnu.ac.ir

^۳ PhD student in public administration, University of Sistan and Baluchistan, Zahedan, Iran. Email: Eslamshardari۱۹۹۲@Gmail.Com

تقویت مدیریت دانش و تقلیل هزینه حسابرسی

- عفت اکرمی مقدم^۱
- مهدی شرفی^۲
- اسلام شاردری^۳

چکیده:

مدیریت دانش در حسابرسی باعث افزایش کارایی و اثربخشی حسابرسی می‌شود؛ زیرا می‌تواند زمان لازم برای دریافت و بررسی اطلاعات مشتری را برای حسابرس کاهش دهد و در نتیجه باعث تقلیل هزینه حسابرسی شود. با همین استدلال هدف اصلی پژوهشگران، بررسی ارتباط بین تقویت مدیریت دانش و تقلیل هزینه حسابرسی است. قلمرو زمانی تحقیق از ابتدای سال ۱۳۹۵ تا انتهای سال ۱۴۰۱ می‌باشد. تعداد ۱۳۰ شرکت برای این پژوهش انتخاب شدند. سپس تجزیه و تحلیل نهایی مدل رگرسیونی چندگانه و با کمک از نرم‌افزار استاتا نسخه ۱۶ انجام گردید. در این پژوهش تعداد ۹۱۰ داده (سال-شرکت) بر اساس روش پانل دیتا- ثابت مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که مدیریت دانش در حسابرسی با حق‌الزحمه حسابرسی رابطه معنادار و معکوس دارد. علاوه بر این یافته‌های اضافی نشان داد، متغیر کنترلی اندازه شرکت رابطه مستقیم و معناداری با متغیر وابسته دارد. علاوه بر این نشان داد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته‌اند ۵۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند.

واژگان کلیدی: هزینه حسابرسی، مدیریت دانش، پانل دیتا، رگرسیون

^۱. گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. نویسنده مسئول، ایمیل: E.akramim@pnu.ac.ir

^۲. گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. ایمیل: Mahdisharafi@pnu.ac.ir

^۳. دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. ایمیل: Eslamshardari1992@Gmail.Com

۱. مقدمه

امروزه در شرایطی زندگی می‌نماییم که به خاطر جهانی شدن، تغییرات فوری و اجتناب ناپذیری در جریان است. در این شرایط، اقتصاد به سمت اقتصاد دانشی سوق پیدا کرده و خیل عظیمی از معادلات فعلی کشورها را با چالش جدی مواجه کرده که این موضوع، خود حاصل فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌باشد. سازمان‌های فعلی، اهمیت بیشتری جهت فهم، انطباق و مدیریت تغییرات محیط پیرامون قائل شده و در کسب و به کارگیری دانش و اطلاعات روزآمد به منظور بهبود عملیات و ارائه خدمات و محصولات مطلوب‌تر به ذینفعان پیشی گرفته‌اند. چنین شرکت‌هایی مستلزم به کارگیری رویه جدیدی از مدیریت به نام «مدیریت دانش» هستند. تعدادی از شرکت‌ها براین عقیده‌اند که با تمرکز بر افراد، فناوری و فنون می‌توان دانش را مدیریت نمود.

دانش در نگاه دانشگاهیان و متخصصان اهمیت دارد. دانش یک منبع ناملموس مهم برای موفقیت یک سازمان در نظر گرفته می‌شود. دارایی‌های نامشهود ارتباط مثبتی با موفقیت سازمان دارد (سوکومار و همکاران، ۱، ۲۰۲۰). ادبیات پژوهشی فرض می‌کند که دانش به عنوان یک دارایی استراتژیک مهم برای بقاء و وجود مستمر یک سازمان در نظر گرفته می‌شود (باراؤ و همکاران، ۲، ۲۰۱۷). امروزه تغییرات سریعی در فناوری رخ می‌دهد و تشخیص و پیش‌بینی آن‌ها برای سازمان‌ها دشوار است. علاوه بر این، مدیریت دانش یک دارایی مهم برای سازمان‌ها برای ادامه در محیط‌های ناپایدار تلقی می‌شود (رحمان و همکاران، ۳، ۲۰۲۱). مدیریت دانش به خلق ایده‌های تازه و بهره‌برداری از دانش داخلی و خارجی شرکت کمک می‌کند (دزی و همکاران، ۴، ۲۰۱۹). مدیریت دانش یک محرک کلیدی اساسی برای ایجاد ارزش و رشد سازمان‌ها در دنیای واقعی است.

در گذشته دور، مزیت رقابتی یک شرکت یا یک جامعه انسانی بر اساس دسترسی به منابع مادی سنجیده می‌شد. در قرون گذشته شرکت پیشتاز شرکتی بود که دسترسی بیشتری به مواد اولیه و ذخایر زیرزمینی، مواد اولیه، نیروی انسانی ارزان، زمین و... به عنوان عوامل تولید در اقتصاد کلاسیک داشت. در عرصه رقابت های کنونی شرایط به کلی تغییر کرده است. دانش یکی از مهم ترین عوامل تولید محسوب می شود و از آن به عنوان مهم ترین مزیت رقابتی سازمان ها یاد می شود (سیتارامان^۵ و همکاران، ۲۰۰۲). چن^۶ و همکاران (۲۰۰۴) معتقدند که سرمایه انسانی مانند مبنای سرمایه فکری به عواملی مانند دانش، مهارت، استعداد و نگرش کارکنان اشاره دارد که باعث بهبود عملکرد، جذب مشتری و افزایش سود شرکت می شود. این دانش و مهارت در ذهن کارگر ساکن است، یعنی ذهن آنها دارای دانش و مهارت است.

^۱ Sukumar, et al.

^۲ Baraño, et al.

^۳ Rehman, et al.

^۴ Dezi, et al.

^۵ Seetharaman

^۶ Chen

بنابراین، اهمیت اشتراک دانش در این است که اشتراک دانش باعث بهبود عملکرد و خدمات به مشتریان و کاهش هزینه‌ها، زمان توسعه خدمات جدید و تاخیر در ارائه خدمات به مشتریان، عملکرد تیم، قابلیت‌های نوآوری و عملکرد شرکت از جمله افزایش درآمد حاصل از خدمات جدید و کاهش هزینه‌ها می‌شود. در کاهش نهایی هزینه‌های مربوط به دسترسی به انواع ارزشمند دانش در سازمان (سهرابی و همکاران، ۱۳۸۹، مسمر مگنوس و دسی چارچ، ۱، ۲۰۰۹). علیرغم اهمیت بالقوه اشتراک دانش در مؤسسات حسابرسی، متخصصان و محققان در زمینه حسابداری پیشرفت محدودی در درک و شناخت وضعیت آن داشته‌اند (ورا مونز و همکاران، ۲۰۰۶). بنابراین، توانایی به اشتراک گذاری دانش در داخل و بین گروه‌های مؤسسات حسابرسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که در تحقیقات انجام شده در ایران به آن توجه نشده است

هدف اصلی در این پژوهش نیز بررسی بررسی رابطه بین مدیریت دانش و هزینه حسابرسی است. به عبارت دیگر انتظار می‌رود هرچه مدیریت دانش در مؤسسات حسابرسی بهتر محقق گردد، هزینه حسابرسی کمتر می‌گردد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مفهوم مدیریت دانش

مدیریت دانش از طریق افکار پیتر دراگر در آمریکا و ارائه گزارش سالانه شرکت اسکندیا در سوئد (ردینگ، ۱۹۹۸) و انتشار کتاب شرکت ایجاد دانش (نانوکا و تاکیوچی^۲، ۱۹۹۵) در ژاپن در سال ۱۹۹۵ باعث ارتقای آن شد. متخصصان و کارشناسان بسیاری در تکامل و توسعه مفهوم مدیریت دانش نقش داشته‌اند که از معروف‌ترین آنها می‌توان به دراگر، استراوسمن^۳ و سنگه^۴ اشاره کرد. مدیریت دانش فرآیندی چالش برانگیز می‌باشد، زیرا شناخت ارزش واقعی آن مشکل است و استفاده بهینه از آن به نحوی که مزیت رقابتی برای سازمان ایجاد کند دشوارتر است. اکنون مدیران سعی می‌کنند دانش انباشته شده در ذهن اعضای سازمان را استخراج کرده و از طریق مدیریت دانش در بین همه افراد به اشتراک بگذارند. در این صورت دانش ذخیره شده در سیستم به یک منبع قابل استفاده دائمی تبدیل می‌شود و مزیت رقابتی پایداری را برای سازمان فراهم می‌کند (هیوسمن^۵، ۲۰۰۶).

دانش مفهوم و تعریف ساده و روشنی ندارد. بلاکر^۶ دانش را موضوعی چندلایه، پیچیده، پویا و انتزاعی تعریف می‌کند که در ذهن انسان جای می‌گیرد. همچنین دانش به عنوان اطلاعات شخصی شده مرتبط

^۱ Mesmer-Magnus & DeChurch

^۲ Nonaka & Takeuchi

^۳ Strawsman

^۴ Senge

^۵ Huysman

^۶ Blacker

با حقایق، رویه ها، مفاهیم، تعاملات، ایده ها، مشاهدات و قضاوت ها تعریف می شود. وقتی این دانش شکل قابل تفسیری پیدا می کند، به دیگران اطلاعات می ده (براتیانو و ارزئوا^۱، ۲۰۱۰). طبیعتاً ساختن دانش و تسخیر آن در ماشین دشوار است و انتقال آن به سختی امکان پذیر است (جعفری مقدم، ۱۳۸۳). دانش ایده ها، درک و درس هایی است که در طول زمان آموخته می شود.

در متون علمی تعاریف گوناگونی برای مدیریت دانش نیز وجود دارد. نیومن و کازی^۲ مدیریت دانش را به عنوان فرایندی برای کنترل ساخت، انتشار و استفاده از دانش می داند. اسنودن^۳ مدیریت دانش را به عنوان شناسایی، بهینه سازی و مدیریت فعال دارایی های فکری مدرن تعریف کرده است (ملاکوا^۴، ۲۰۱۲). طبق نظر تیوانا^۵ (۲۰۰۰) مدیریت دانش باعث ایجاد، ارتباط و کاربرد تمامی انواع دانش برای حصول اهداف تجاری می گردد. کلاسون^۶ (۱۹۹۹) مدیریت دانش را به عنوان توانایی در ساخت و نگهداری ارزشی فراتر از صلاحیت های تجاری اصلی تعریف می کند. تمامی تعاریف روی این حقیقت تمرکز دارند که دانش یک دارایی ارزشمند است و می بایست مدیریت شود و اینکه مدیریت دانش در ایجاد استراتژی هایی برای نگهداری دانش و ارتقای عملکرد مهم است (القسانی^۷ و همکاران، ۲۰۰۶).

عوامل تأثیر گذار بر مدیریت دانش

یکی از دلایل مهمی که باعث شکست سیستم های مدیریت دانش در تسهیل تسهیم دانش می شود، فقدان آگاهی در مورد این است که چطور زمینه های سازمانی و میان فردی همانند مشخصه های فردی بر روی تسهیم دانش تأثیر می گذارند (وئیل^۸ و همکاران، ۲۰۰۵). بر اساس مطالعه ونگ و نوئه^۹ (۲۰۱۰) در بین سال ۱۹۹۹ تا اوایل ۲۰۰۸ تعداد ۷۶ مطالعه کمی و کیفی در مورد تسهیم دانش انجام شده است. این مطالعات به ارائه چارچوبی می پردازند که پژوهش در مورد تسهیم دانش را مبتنی بر نکات مختلف شامل زمینه سازمانی، مشخصه های میان فردی و تیمی، مشخصه های فرهنگی، مشخصه های فردی و عوامل انگیزشی سازمان دهی می کند. آن ها به بررسی مطالعات کمی و کیفی انجام شده در زمینه تسهیم دانش در سطح فردی پرداختند و چارچوبی برای درک پژوهش تسهیم دانش ایجاد کردند. این چارچوب پنج حوزه در مورد پژوهش تسهیم دانش مشخص کرد: زمینه سازمانی، مشخصه های میان فردی و تیمی، مشخصه های فرهنگی، مشخصه های فردی و عوامل انگیزشی.

^۱ Bratianu & Orzea

^۲ Newman & Kazi

^۳ Snowden

^۴ Mládková

^۵ Tiwana

^۶ Klasson

^۷ Al-Ghassani

^۸ Voelpel

^۹ Wang & Noe

طبقه بندی انواع دانش

تاکنون طبقه بندی‌های بسیار متنوعی از دانش انجام شده که هر کدام به نحوی در سازمانهای مختلف با عملکردهای متفاوت ملموس می‌باشد. در واقع جامع‌ترین طبقه بندی ارائه شده طبقه بندی دانش از نظر نوناکا می‌باشد که دانش را به دو گروه دانش صریح و دانش ضمنی تقسیم نمود. وی دانش صریح را به عنوان دانشی که قابلیت کدگذاری و بیان از طریق گویش را داراست بیان نموده و دانش ضمنی را انتزاعی و دستیابی به آن را دشوار می‌داند. از نظر نوناکا (۱۹۹۴) دانش ضمنی آن چیزی است که در ذهن افراد و تجربیات آنها وجود دارد.

دانش صریح (آشکار)

دانشی است که مدون شده و یا به فرمت‌های خاصی ارائه شده است. مثلاً توضیح داده شده، ثبت شده یا مستند شده. مانند روش‌های کاری نوشته شده، بایگانی‌های تجاری، مجله و مقالات، بانک‌های اطلاعاتی اینترنت‌ها، ارائه‌های گرافیکی، منابع دیداری یا شنیداری. بنابراین به آسانی می‌توان دیگران را در آن سهیم نمود. هنگامی که دانش مدون و کدگذاری شود مصنوع دانش تولید می‌شود و این مصنوع دانش است که می‌تواند مدیریت شود.

دانش ضمنی (پنهان)

در ذهن افراد است و به طور عمیق در اقدامات تجارب و ارزش‌های افراد مستتر می‌باشد. مدل‌های ذهنی شهود و تصورات در این حوزه از دانش قرار می‌گیرند. این نوع از دانش دانش شخصی و ابراز نشده‌ای است که یک فرد دارد و در طول سالها تجربه و تعامل با دیگران و آزمون سعی و خطا به دست آورده و هرگز به طور کامل و قابل فهم برای دیگران بیان یا مدون نشده است. طبق برآوردها ۸۰ درصد از مهمترین دانش‌ها دانش پنهان است (نوناکا، ۱۹۹۴).

جدول ۱. خلاصه‌ای از پیشینه پژوهش

پژوهشهای خارجی			
محقق	سال	هدف	یافته
بلای و همکاران	۲۰۲۳	تاثیر انتقال دانش را بر تولیدات حسابرسی	انتقال دانش درونی، انتقال دانش خارجی را در بر می‌گیرد؛ انتقال دانش داخلی بر مستندسازی تاثیر دارد؛ انتقال دانش باعث افزایش کارایی تخصص حسابرسی می‌شود و همچنین انتقال دانش با کارایی حسابرسی بیشتر، صرف نظر از تخصص حسابرسی یا همگنی صنعت مرتبط است.
سان و همکاران	۲۰۲۲	ارتباط قابلیت مقایسه صورتهای مالی و قیمت گذاری حسابرسی	حسابرسان برای مشتریانی که قابلیت مقایسه صورتهای مالی بیشتری دارند، حق الزحمه حسابرسی کمتری دریافت می‌کنند. زمانی که

حسابرسان متخصص صنعت یا مشتری در صناعی با ناهمگونی عملیاتی بالاتر باشند، این رابطه منفی مشهودتر است			
انتقال دانش، کیفیت حسابرسی را بهبود می بخشد و این بهبود ناشی از تغییرات در انگیزه‌های حسابرسان یا جابجایی پرسنل نیست و به انتقال دانش مربوط می شود.	تاثیر انتقال دانش بر کیفیت حسابرسی در چین	۲۰۲۲	هی و همکاران
اشتراک دانش در یک مؤسسه حسابرسی با کیفیت حسابرسی (اقلام تعهدی اختیاری مطلق کمتر و صدور نظرات نامطلوب‌تر حسابرسی) و کارایی بالاتر حسابرسی(تاخیرهای حسابرسی کوتا‌تر) همراه است	تاثیر انتقال دانش بر کیفیت و کارایی حسابرسی در تایوان	۲۰۲۰	دو و همکاران
قابلیت مقایسه حسابداری بین دو شرکت در یک جفت زمانی که توسط یک شریک متخصص حسابرسی می‌شوند، بیشتر از زمانی است که توسط یک شریک غیر متخصص حسابرسی می‌شوند. و قابلیت مقایسه حسابداری تحت تأثیر تخصص حسابرس در صنعت است.	تأثیر سبک شریک حسابرسی بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی	۲۰۲۰	آن و سونو
تسهیم دانش مسئله مهمی برای بالا بردن قابلیت نوآوری شرکت‌ها است. همچنین شدت فناوری درجه ارتباط قابلیت نوآوری در ایجاد ارزش را تعدیل می‌کند.	تسهیم دانش و عملکرد نوآوری: مقایسه‌ای بین شرکت‌های با تکنولوژی سطح بالا و تکنولوژی سطح پایین در انگلستان	۲۰۱۹	سائنز
تخصص صنعت به طور منحصر به فرد به سرمایه انسانی شریک حسابرسی از لحاظ دانش و تجربه خود از مشارکت‌های حسابرسی در صنعت خاص مربوط می‌شود و برخی از حق الزحمه های حسابرسی احتمالاً محصول تخصص فردی شریک حسابرسی است.	تخصص صنعت شریک حسابرسی و حق الزحمه حسابرس در بریتانیا	۲۰۱۹	خارودین و همکاران
پژوهشهای داخلی			
یافته	هدف	سال	محقق
ارتباطی معنادار و مستقیم بین عدم رقابت در صنعت و حق الزحمه حسابرسی وجود دارد و تخصص حسابرس در صنعت موجب افزایش رابطه مستقیم	بررسی رابطه رقابت در صنعت و حق الزحمه حسابرسی با تأکید بر اثر تعدیلی تخصص	۱۴۰۱	وجودی نوبخت و همکاران

حسابرس در صنعت و اندازه موسسه حسابرسی	عدم رقابت در صنعت و حق الزحمه حسابرسی می‌گردد.		
اثنی عشری و همکاران	۱۴۰۱	رابطه سبک کاری حسابرس امضاءکننده گزارش حسابرسی با مقایسه پذیری سود: با تأکید بر ویژگی‌های حسابرس	سبک حسابرس با قابلیت مقایسه سود رابطه مثبت و معنا داری دارد. بعلاوه افزایش تجربه کار مشترک حسابرسان امضاءکننده گزارش، قابلیت مقایسه را بهبود می‌بخشد؛ اگرچه اندازه مؤسسه حسابرسی بر سبک حسابرسان امضاءکننده گزارش و قابلیت مقایسه سود اثرگذار نیست.
گل محمدی شورکی و زارع مهرجردی	۱۴۰۰	قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری و تلاش حسابرسی	رابطه منفی (معکوس) و معنی‌دار بین قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری و حق الزحمه حسابرسی وجود دارد. همچنین، نتایج پژوهش نشان می‌دهد رابطه منفی و معنی‌دار بین قابلیت مقایسه و تأخیر گزارش حسابرسی وجود دارد
ستایش و همکاران	۱۴۰۰	بررسی تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، محدودیت تأمین مالی، نگهداشت وجه نقد و ساختار سرمایه مبتنی بر بدهی به‌عنوان ویژگی‌های صاحب‌کار بر حق الزحمه حسابرسی	قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، محدودیت تأمین مالی، ساختار سرمایه مبتنی بر بدهی و نگهداشت وجه نقد به ترتیب با حق الزحمه حسابرسی به‌طور معناداری ارتباط منفی، مثبت، مثبت و مثبت دارند

روش تحقیق

قلمرو تحقیق

هر تحقیق سه قلمرو موضوعی، مکانی و زمانی مشخص دارد. قلمرو موضوعی تحقیق، مدیریت دانش در حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی است. قلمرو مکانی تحقیق را شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تشکیل می‌دهد. قلمرو زمانی تحقیق از ابتدای سال ۱۳۹۵ تا انتهای سال ۱۴۰۱ می‌باشد.

جامعه و نمونه آماری تحقیق

جامعه^۱ آماری به مجموعه‌ای از افراد، اشیاء، اعداد و یا چیزهای دیگر گفته می‌شود که حداقل در یک ویژگی مشترک باشند و محقق مایل است یافته‌های خود را به آن تعمیم دهد [آذر و مؤمنی (۱۳۷۷)، حافظ نیا (۱۳۷۷)]. وجود اطلاعات کامل و در دسترس شروط تحقق یک تحقیق مناسب است. با توجه به این که تنها مرجع قابل اعتماد برای جمع‌آوری داده‌های مالی در وضعیت فعلی ایران بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد و همچنین، متغیرهای مورد مطالعه ویژگی مشترک شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را دارا می‌باشند، بنابراین جامعه آماری تحقیق را برخی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تشکیل می‌دهد که دارای ویژگی‌های زیر باشند:

- ۱) این شرکت‌ها باید تا ابتدای سال ۱۳۹۵ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
 - ۲) به منظور همگن‌سازی جامعه آماری، شرکت‌ها در طول دوره تحقیق تغییر سال مالی ندادند.
 - ۳) مؤسسات مالی، سرمایه‌گذاری، بانک‌ها، بیمه، شرکت‌های لیزینگ و هلدینگ در نمونه آورده نمی‌شوند.
 - ۴) به منظور افزایش قابلیت مقایسه، پایان سال مالی شرکت‌های مورد مطالعه منتهی به ۲۹ اسفندماه در هر سال باشد.
 - ۵) به منظور حذف شرکت‌های ورشکسته، ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت‌های نمونه مثبت باشد (در مطالعات مربوط به قابلیت مقایسه صورتهای مالی، این محدودیت اعمال می‌گردد).
 - ۶) وقفه معاملاتی بیشتر از ۶ ماه نداشته باشند.
- در نهایت پس از رعایت شروط جامعه آماری تحقیق، تعداد ۱۳۰ شرکت انتخاب شدند. از آنجایی که جامعه تحقیق محدود و هدفمند می‌باشد کل جامعه به‌عنوان نمونه انتخاب شد.

روش و ابزار گردآوری اطلاعات

در این تحقیق روش گردآوری اطلاعات در ارتباط با مبانی نظری به‌صورت کتابخانه‌ای است. بدین ترتیب که تحقیقات انجام گرفته در زمینه موضوع تحقیق از کتب، مقالات معتبر و مجلات علمی و پژوهشی، پایان نامه‌های دانشجویی^۲ و سایت‌های اینترنتی معتبر^۳ گردآوری و مورد مطالعه قرار گرفت. همچنین گردآوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز جهت انجام تحقیق به‌صورت آرشیوی بوده، داده‌های لازم جهت آزمون فرضیه‌های تحقیق از اطلاعات موجود در سازمان بورس اوراق بهادار تهران، صورت‌های

^۱. Population

^۲. www.IRANDOC.ir

^۳. www.SID.ir, www.Sciencedirect.com.

مالی شرکت‌های منتخب و بانک‌های اطلاعاتی موجود در بازار همچون ره‌آورد نوین جمع‌آوری شده است. پس از جمع‌آوری داده‌ها، برای جمع‌بندی و محاسبات از نرم‌افزار اکسل استفاده شده است. سپس تجزیه و تحلیل نهایی به‌وسیله الگوهای رگرسیونی چندگانه و با استفاده از نرم‌افزار استاتا نسخه ۱۷ انجام می‌شود.

فرضیه‌های تحقیق

انتقال دانش در حسابرسی باعث افزایش کارایی حسابرسی می‌شود؛ زیرا می‌تواند زمان ارزیابی ریسک مشتری و همچنین زمان لازم برای دریافت و بررسی اطلاعات مشتری را برای حسابرس کاهش دهد و در نتیجه باعث کاهش بهای تمام‌شده در حسابرسی شود (بلای و ناش، ۲۰۲۳). بنابراین فرضیه پژوهش به صورت زیر است:

- مدیریت دانش در حسابرسی با هزینه حسابرسی رابطه منفی دارد.

برای آزمون فرضیه پژوهش الگوی ۱ به شرح ذیل برآورد می‌شود.

$$\text{LAF}_{it} = \alpha_0 + \beta_0 \text{KT}_{it} + \beta_1 \text{SIZE}_{it} + \beta_2 \text{MB}_{it} + \beta_3 \text{CATA}_{it} + \beta_4 \text{QUICK}_{it} + \beta_5 \text{DE}_{it} + \beta_6 \text{ROI}_{it} + \beta_7 \text{OPINION}_{it} + \beta_8 \text{LOSS}_{it} + \beta_9 \text{CHANGE}_{it} + \beta_{10} \text{RSTMNT}_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{الگوی ۱}$$

مفهوم نمادهای موجود در مدل فوق به شرح زیر است:

LAF: حق‌الزحمه حسابرسی، KT: مدیریت دانش در حسابرسی، SIZE: اندازه، CATA: دارایی‌های جاری، QUICK: نسبت آنی، DE: بدهی‌های بلندمدت، ROI: بازده دارایی‌ها، OPINION: اظهارنظر حسابرس، LOSS: زیان‌دهی، CHANGE: تغییر حسابرس، RSTMNT: تجدید ارائه متغیرهای این مدلها و روش اندازه‌گیری آنها به شرح زیر است:

متغیر وابسته:

حق‌الزحمه حسابرسی؛ به صورت لگاریتم طبیعی هزینه‌ی حسابرسی شرکت محاسبه خواهد شد.

متغیرهای مستقل:

انتقال دانش در حسابرسی؛ طبق پژوهش‌های گزارش‌شده توسط دی‌فرانکو و همکاران (۲۰۱۱) و همچنین بلای و ناش (۲۰۲۳) وقتی دو شرکت از نظر شاخص‌های مالی قابلیت مقایسه

داشته باشند، انتقال دانش رخ داده است؛ بنابراین قابل مقایسه بودن به معنی انتقال دانش است. برای اندازه‌گیری قابل مقایسه بودن دو شرکت، با پیروی از دو پژوهش مذکور، ابتدا از مدل رگرسیونی رابطه‌ی بین سود و بازده سهام استفاده خواهد شد.

متغیرهای کنترل:

با پیروی از بلای و ناش (۲۰۲۳) از متغیرهای کنترلی به شرح زیر استفاده خواهد شد:
اندازه؛ به صورت لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌های پایان دوره اندازه‌گیری خواهد شد.
ارزش بازار به ارزش دفتری؛ به صورت نسبت ارزش بازار سهام به ارزش دفتری سهام محاسبه خواهد شد.

دارایی‌های جاری؛ به صورت نسبت دارایی‌های جاری پایان دوره به جمع دارایی‌های پایان دوره اندازه‌گیری خواهد شد.

نسبت آنی؛ از تقسیم دارایی‌های جاری به غیر از موجودی‌های مواد و کالا و پیش‌پرداخت‌های پایان دوره بر بدهی‌های جاری پایان دوره محاسبه خواهد شد.

بدهی‌های بلندمدت؛ به صورت نسبت بدهی‌های بلندمدت پایان دوره به جمع دارایی‌های پایان دوره اندازه‌گیری خواهد شد.

بازده دارایی‌ها؛ به صورت نسبت سود خالص قبل از بهره و مالیات به جمع دارایی‌های پایان دوره اندازه‌گیری خواهد شد.

اظهار نظر حسابرس؛ برای اندازه‌گیری آن، اگر حسابرس نظر مقبول داده باشد، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر در نظر گرفته خواهد شد.

زیان دهی؛ برای اندازه‌گیری آن، اگر شرکت زیان خالص گزارش نموده باشد، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر در نظر گرفته خواهد شد.

تغییر حسابرس؛ برای اندازه‌گیری آن، اگر حسابرس تغییر یافته باشد، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر در نظر گرفته خواهد شد.

تجدید ارائه؛ برای اندازه‌گیری آن، اگر صورت‌های مالی تجدید ارائه شده باشد، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر در نظر گرفته خواهد شد.

یافته‌های تحقیق

آزمون مانایی متغیرها

لازم است قبل از برآورد مدل، مانایی متغیرها بررسی گردد. استفاده از آزمون‌هایی نظیر دیکی - فولر^۱ و فیلیپس - پرون^۲ برای داده‌های پانل توصیه نمی‌شود زیرا قدرت اندکی در تشخیص مانایی دارند. برای حصول اطمینان به آزمون‌های مانایی قوی‌تر در مدل‌های پانل، پیشنهاد می‌شود که داده‌ها را تجمیع^۳ نموده و سپس مانایی بررسی گردد (اندرس، ۱۳۸۶). سطح معنی‌داری همه متغیرها در آزمون مانایی هادری کمتر از ۵ درصد بوده و بیانگر مانا بودن متغیرها است.

آزمون اف لیمر (چاو) و هاسمن، ناهمسانی و خود همبستگی

به منظور تخمین مدل‌های پژوهش از تکنیک داده‌های تلفیقی استفاده شده است. ضرورت استفاده از این تکنیک که داده‌های سری زمانی و مقطعی را با هم ترکیب می‌کند، بیشتر به خاطر افزایش تعداد مشاهدات، بالا بردن درجه آزادی، کاهش ناهمسانی واریانس و کاهش هم خطی بین متغیرها است. لذا تخمین مدل‌ها با استفاده از داده‌های ترکیبی و برای همه شرکت‌های نمونه در طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ انجام می‌گیرد. آنگاه بر اساس تخمین‌های به دست آمده و به کمک آزمون‌های آماری F و t احتمال محاسبه شده (p -value) و ضریب تعیین به قضاوت و ارزیابی در مورد هر یک از فرضیه‌های پژوهش پرداخته می‌شود. سوالی که اغلب در مطالعات کاربردی مطرح می‌شود، این است که آیا شواهدی دال بر قابلیت ادغام شدن داده‌ها وجود دارد یا اینکه مدل برای تمام واحدهای مقطعی متفاوت است. لذا باید ابتدا بررسی شود که آیا بین مقاطع، ناهمگنی یا تفاوت‌های فردی وجود دارد یا خیر؟ در صورت وجود ناهمگنی از روش داده‌های تابلویی و درغیر اینصورت، از روش داده‌های تلفیقی با رویکرد حداقل مربعات معمولی^۴ (OLS) برای تخمین مدل استفاده می‌گردد.

اگر مشخص شد که مقاطع مورد بررسی ناهمگن و دارای تفاوت‌های فردی بوده، روش‌های تابلویی (پانل دیتا) مناسب تر هستند، به منظور انتخاب بین اثرات ثابت و تصادفی از آزمون هاسمن استفاده شده است. در صورتی که داده‌های آماری به گونه‌ای بود که مقاطع دارای عکس‌العمل‌های متفاوتی باشند و برای هر مقطع عرض از مبدأ جداگانه‌ای در نظر گرفته شود، باید منشأ خطاهای ناشی از تخمین نیز مشخص شود.

^۱ Dicky Fuller^۲ Philips Pron^۳ pool^۴ Ordinary Least Squares

به بیان دیگر، باید مشخص شود که خطای ناشی از تخمین در طی زمان اتفاق افتاده است یا اینکه خطای نام برده شده علاوه بر اینکه در طی زمان اتفاق افتاده به دلیل تغییر در مقاطع نیز بوده است. در نحوه در نظر گرفتن چنین خطاهای با دو اثر، اثرات ثابت و اثرات تصادفی مواجه می شود. در اثرات ثابت، خطای تخمین ناشی از تغییر مقاطع در عرض از مبدأ منظور می گردد. ولی در مدل اثر تصادفی چنین خطاهایی به طور تصادفی در نظر گرفته می شود. هاسمن (۱۹۷۸)، آزمونی را برای تشخیص روش برآورد ارائه نموده است؛ بر اساس این آزمون، فرضیه صفر دال بر این است که روش اثرات تصادفی کارا و سازگار است. و فرضیه مقابل مبتنی بر این است که روش اثرات ثابت کارا و سازگار است.

با توجه به نتایج سطح معناداری آزمون اف لیمر در مدل‌های پژوهش کمتر از ۵ درصد است، از این رو نوع داده‌ها تابلویی و آزمون هاسمن تعیین کننده نوع رگرسیون خواهد بود با توجه به نتایج آزمون هاسمن در مدل‌های پژوهش سطح معناداری کمتر از ۵ درصد است لذا باید از روش پانل دیتا- ثابت استفاده کرد. علاوه بر موارد فوق، پژوهشگر به بررسی آزمون ناهمسانی واریانس، خود همبستگی سریالی نیز پرداخت. نتایج بیانگر وجود ناهمسانی واریانس در جملات اخلاص بود که این مشکل در تخمین نهایی مدل پژوهش با اجرای دستور gls رفع شده است. علاوه بر این سطح معناداری آزمون والدريج کمتر از ۵ درصد بوده و بیانگر وجود خودهمبستگی سریالی در مدل می‌باشد، که این مشکل در تخمین نهایی مدل با اجرای دستور Auto Correlation رفع شده است.

نتیجه آزمون فرضیه

آزمون فرضیه: مدیریت دانش در حسابرسی با هزینه حسابرسی رابطه منفی دارد.
در جدول ۲، نتیجه آزمون فرضیه دیده می شود.

جدول شماره ۲. آزمون فرضیه پژوهش

$LAF_{it} = \alpha_0 + \beta_0 KT_{it} + \beta_1 SIZE_{it} + \beta_2 MB_{it} + \beta_3 CATA_{it} + \beta_4 QUICK_{it} + \beta_5 DE_{it} + \beta_6 ROI_{it} + \beta_7 OPINION_{it} + \beta_8 LOSS_{it} + \beta_9 CHANGE_{it} + \varepsilon_{it}$						
متغیر وابسته: حق الزحمه حسابرسی						
متغیرها	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره Z	سطح معناداری	هم خطی
مدیریت دانش در حسابرسی	KT	-۱,۹۸۴	۰,۲۴۶	-۸,۰۶	۰,۰۰۰	۱,۰۲
اندازه شرکت	SIZE	۰,۱۸۷	۰,۰۲۷	۶,۸۶	۰,۰۰۰	۱,۱۰
ارزش بازار به ارزش دفتری	MB	۰,۰۰۷	۰,۰۰۶	۱,۰۴	۰,۳۰۰	۱,۰۷
دارایی‌های جاری	CATA	-۰,۰۸۲	۰,۱۵۰	-۰,۵۵	۰,۵۸۶	۱,۲۹
نسبت آنی	QUICK	۰,۰۲۴	۰,۰۲۷	۰,۸۸	۰,۳۷۶	۱,۲۸
بدهی‌های بلندمدت	DE	-۰,۰۲۳	۰,۲۲۰	-۰,۱۱	۰,۹۱۳	۱,۱۳
بازده دارایی‌ها	ROI	۰,۰۰۶	۰,۱۳۷	۰,۰۵	۰,۹۶۳	۱,۶۹
اظهاری نظر حسابررس	OPINION	۰,۰۲۱	۰,۰۴۷	۰,۴۶	۰,۶۴۶	۱,۰۴
زیان دهی	LOSS	۰,۰۶۶	۰,۰۷۹	۰,۸۳	۰,۴۰۷	۱,۴۱
تغییر حسابررس	CHANGE	-۰,۰۱۴	۰,۰۲۸	-۰,۴۹	۰,۶۲۱	۱,۰۱
C		۰,۴۶۷	۹,۶۵		۰,۰۰۰	---
ضریب تعیین		۰,۵۷۶۸				

آماره والد	۱۲۹,۶۶
سطح معناداری	۰,۰۰۰۰

نتایج نشان می‌دهد که مدیریت دانش در حسابرسی با ضریب منفی و سطح معنی‌داری کمتر از ۵ درصد با هزینه حسابرسی رابطه معکوس دارد و فرضیه در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود. متغیر کنترلی اندازه شرکت دارای ضریب مثبت و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می‌باشد از این رو رابطه مستقیم و معناداری با متغیر وابسته دارد. ضریب تعیین برابر با ۵۷ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته‌اند ۵۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره والد برابر با ۱۲۹,۶۶ و سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد می‌باشد از این رو می‌توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است. آزمون هم خطی نشان می‌دهد عامل تورم واریانس در متغیرهای مدل وجود ندارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هر تحقیق سه قلمرو موضوعی، مکانی و زمانی مشخص دارد. قلمرو موضوعی تحقیق، مدیریت دانش در حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی است. قلمرو مکانی تحقیق را شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تشکیل می‌دهد. قلمرو زمانی تحقیق از ابتدای سال ۱۳۹۵ تا انتهای سال ۱۴۰۱ می‌باشد. در نهایت پس از رعایت شروط جامعه آماری تحقیق، تعداد ۱۳۰ شرکت انتخاب شدند. از آنجایی که جامعه تحقیق محدود و هدفمند می‌باشد کل جامعه به عنوان نمونه انتخاب شد.

همچنین گردآوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز جهت انجام تحقیق به صورت آرسبوی بوده، داده‌های لازم جهت آزمون فرضیه‌های تحقیق از اطلاعات موجود در سازمان بورس اوراق بهادار تهران، صورت‌های مالی شرکت‌های منتخب و بانک‌های اطلاعاتی موجود در بازار همچون ره‌آورد نوین جمع‌آوری شده است. پس از جمع‌آوری داده‌ها، برای جمع‌بندی و محاسبات از نرم‌افزار اکسل استفاده شده است. سپس تجزیه و تحلیل نهایی به وسیله الگوهای رگرسیونی چندگانه و با استفاده از نرم‌افزار استاتا نسخه ۱۷ انجام می‌شود. مدیریت دانش در حسابرسی باعث افزایش کارایی حسابرسی می‌شود؛ زیرا می‌تواند زمان ارزیابی ریسک مشتری و همچنین زمان لازم برای دریافت و بررسی اطلاعات مشتری را برای حسابرس کاهش دهد و در نتیجه باعث کاهش بهای تمام‌شده در حسابرسی شود (بلای و ناش، ۲۰۲۳). بنابراین فرضیه پژوهش به صورت زیر است: مدیریت دانش در حسابرسی با هزینه حسابرسی رابطه منفی دارد.

نتایج نشان داد که انتقال دانش در حسابرسی با ضریب منفی و سطح معنی‌داری کمتر از ۵ درصد با حق الزحمه حسابرسی رابطه معکوس دارد و فرضیه اول در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود. متغیر کنترلی اندازه شرکت دارای ضریب مثبت و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می‌باشد از این رو رابطه مستقیم

و معناداری با متغیر وابسته دارد. ضریب تعیین برابر با ۵۷ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته‌اند ۵۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره والد برابر با ۱۲۹٫۶۶ و سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد می‌باشد از این رو می‌توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است. فلذا می‌توان ادعا کرد انتقال دانش در حسابرسی باعث افزایش کارایی حسابرسی می‌شود؛ زیرا می‌تواند زمان ارزیابی ریسک مشتری و همچنین زمان لازم برای دریافت و بررسی اطلاعات مشتری را برای حسابرس کاهش دهد و در نتیجه باعث کاهش بهای تمام‌شده در حسابرسی شود (بلای و ناش، ۲۰۲۳). پس نتایج حاصل از این فرضیه با نتایج پژوهش‌هایی همچون فانگ و همکاران (۲۰۱۲) و ژانگ (۲۰۱۸) تطابق دارد.

با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیات پژوهش، موارد ذیل پیشنهاد می‌گردد:

- انتقال دانش در حسابرسی باعث افزایش کارایی حسابرسی می‌شود؛ زیرا می‌تواند زمان ارزیابی ریسک مشتری و همچنین زمان لازم برای دریافت و بررسی اطلاعات مشتری را برای حسابرس کاهش دهد و در نتیجه باعث کاهش بهای تمام‌شده در حسابرسی شود. وجود انتقال دانش درونی در حسابرسی و در واقع انتقال دانش در یک موسسه‌ی حسابرسی، کاملاً طبیعی است؛ زیرا شباهت بین مشتریان به حسابرسان اجازه می‌دهد به طور پیوسته روش‌های حسابرسی آموخته‌شده و دانش گزارشگری را در مورد تمام یا بخشی از مشتریان خود به کار گیرند که در نتیجه، بهای تمام‌شده در حسابرسی کاهش می‌یابد. بنابراین تنوع فعالیت مشتریان، امکان انتقال دانش را تقلیل می‌دهد و به موسسات حسابرسی توصیه می‌شود جهت تقویت انتقال دانش درونی، از تنوع طلبی در جذب مشتریان با فعالیت‌های گوناگون، پرهیز نمایند.
- انتقال دانش بیرونی در حسابرسی و در واقع انتقال دانش بین موسسه‌های حسابرسی است؛ زیرا شباهت در سطح صنعت باعث غنی‌شدن محیط اطلاعاتی شرکت می‌شود و می‌تواند توانایی حسابرس در درک معامله‌های اقتصادی را افزایش دهد که در نتیجه بهای تمام‌شده در حسابرسی کاهش می‌یابد. بنابراین به موسسات حسابرسی توصیه می‌شود هنگام حسابرسی یک مشتری به محیط اطلاعاتی پیرامون حوزه فعالیت آن شرکت توجه ویژه داشته باشند تا از تجربیات سایر موسسات حسابرسی در حوزه فعالیت مشتری مدنظر بهره‌مند گردند و این موضوع تقلیل هزینه‌های حسابرسی را در پی خواهد داشت.
- با توجه به اینکه تخصص حسابرس در صنعت، رابطه‌ی بین انتقال دانش در حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی را تعدیل می‌کند، پیشنهاد میشود، حسابرسان در قراردادهای خود، این نکته را در نظر بگیرند.
- جهت بهبود و ارتقاء عامل استفاده از ابزارهای فرهنگ سازمانی در موسسات حسابرسی پیشنهاد می‌شود تا به‌منظور آشنایی کارکنان با سیستم مدیریت دانش، دوره‌های آموزشی، کارگاه‌ها و گردهمایی در حوزه‌های مختلف برگزار گردد.

- ساختار موجود در موسسات حسابرسی مورد تجدیدنظر و اصلاح قرار گرفته و جای خود را به ساختارهایی انعطاف‌پذیرتر و غیر سلسله‌مراتبی تر بدهد. چراکه تسهیل روابط می‌تواند تقویت انتقال دانش را در پی داشته باشد
- کاهش قوانین و مقررات و رویه‌های رسمی و مکتوب در مورد نحوه انجام وظایف و فعالیت‌های سازمانی، مبتنی نکردن صرف نحوه برقراری ارتباطات و روابط درون‌سازمانی بر رویه‌های رسمی و از پیش تعیین شده و تدارک شرایطی برای اداره برخی موقعیتها و انجام امور بر اساس توافقات غیررسمی میان افراد به‌منظور ترغیب روحیه علم‌محوری و دانش‌گرایی در کارکنان می‌تواند مفید باشد و منجر به تقویت انتقال دانش گردد.

به پژوهشگران آتی توصیه می‌شود در زمینه‌های زیر پژوهش‌هایی را انجام داده و خلاهای موجود را پر نمایند:

- با توجه به اهمیت شایانی که ساختار سازمانی در تسهیم دانش می‌تواند داشته باشد، توصیه می‌شود رابطه این دو متغیر اساسی مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد
- بررسی گردش موسسات حسابرسی بر انتقال دانش درونی و بیرونی و حق الزحمه آنها
- استفاده از تکنیک‌های آماری نظیر AHP جهت اولویت‌بندی عوامل شناسایی شده تسهیم دانش با رویکرد انتقال دانش در موسسات حسابرسی.

منابع

۱. اثنی عشری، حمیده. شهرکی، مهنوش. کارگذار، ابوالفضل. (۱۴۰۱). رابطه سبک کاری حسابرس امضاءکننده گزارش حسابرسی با مقایسه‌پذیری سود: با تأکید بر ویژگی‌های حسابر. دانش حسابداری دوره ۱۳، شماره ۲، ۱۷۰-۱۵۱.
۲. اعتمادی، حسین؛ آذر، عادل و مهدی ناظمی اردکانی. (۱۳۸۹). بررسی نقش تخصص حسابر در صنعت بر مدیریت واقعی سود و عملکرد عملیاتی آتی، دانش حسابرسی. (۱): ۹-۲۸.
۳. افزاره، عباس (۱۳۸۴) "مدیریت دانش (مفاهیم، مدل‌ها، اندازه‌گیری و پیاده‌سازی) تهران، انتشارات دانشگاه صنعتی امیرکبیر.
۴. برادران حسن زاده، رسول، پاک مرام، عسگر، بابایی، قادر، فریادی بناب، علی. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر محتوای گزارش حسابرسان. مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۳، شماره ۲، صص ۱۵۵-۱۷۲.
۵. بهرامی، م. و حسنی، م.ع. (۱۳۹۲). بررسی حرفه حسابرسی با رویکرد مدیریت دانش، حسابر، ۶۶، ۸-۱.

۶. بیگدلی مجرد، ب. و سلاجقه، س. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر آموزش بر استراتژی‌های منابع انسانی با تأکید بر نقش واسطه‌ای توسعه حرفه‌ای و تسهیم دانش، فصلنامه آموزش و توسعه منابع انسانی، ۳(۱۰)، ۱۶۶-۱۴۷.
۷. پاک‌نیا، حمزه. (۱۳۹۳). کاربرد ابزار مدیریت دانش در فرآیند حسابرسی. مجله حسابرسی، (۷۰)، ۸۴-۹۱.
۸. جعفری مقدم، سعید (۱۳۸۳). مستندسازی تجربیات مدیران از دیدگاه مدیریت دانش، چاپ اول، تهران، موسسه تحقیقات و آموزش مدیریت دانش.
۹. حاجیان، الناز و سردار، سهیلا (۱۳۹۶). ارائه الگویی برای سنجش عوامل انگیزشی درونی و بیرونی مؤثر در تمایل کارکنان به تسهیم دانش، پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات، ۳۲(۴)، ۱۱۱۸-۱۰۹۳.
۱۰. حسینیان، ش. و فراهانی، ا. (۱۳۹۵). بررسی عوامل مؤثر بر پیاده‌سازی موفق مدیریت دانش در دیوان محاسبات کشور با استفاده از مدل سه‌شاخگی، دانش حسابرسی، ۱۶(۶۲)، ۶۲-۴۵.
۱۱. خسروی پور، ن.، جعفری، س. م. و عبدی، م. ر. (۱۳۹۶). طراحی الگوی بهینه مدیریت دانش برای دستگاه‌های نظارتی در ایران، مطالعه موردی: دیوان محاسبات کشور، دانش حسابرسی، ۱۷(۶۹)، ۳۲۸-۳۰۹.
۱۲. خوشکار، فرزین؛ سائلی، مهسا و پریسا سائلی. (۱۴۰۰). تأثیر تمرکز بازار حسابرسی، تخصص حسابرسی در صنعت و تجربه‌محیطه حسابرسی بر قیمت‌گذاری حسابرسی، چشم انداز حسابداری و مدیریت، ۴(۵۵): ۹۰-۷۹.
۱۳. رحیمی، اکبر، علپوردی زاده، حسین، محمودآبادی، سمیرا. (۱۴۰۲). بررسی تأثیر مدیریت دانش بر چابکی سازمانی با تأکید بر نقش میانجی‌گری نوآوری سازمانی (نمونه پژوهش: سازمان‌های پروژه محور دفاعی). فصلنامه مدیریت دانش سازمانی، ۶(۲)، ۵۲-۲۱.
۱۴. رهنمای رودپشتی، فریدون، و کیلی فرد، حمیدرضا، لک، فضل اله، محسنی، عبدالرضا، (۱۳۹۴)، سبک حسابرسی و قابلیت مقایسه صورتهای مالی، مجله حسابداری مدیریت، دوره ۸، شماره ۲۵، صص ۴۷-۲۹.
۱۵. ستایش، محمدحسین. عزیز، پدram. مقیمی، فاطمه. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر متغیرهای چهارگانه ویژگی‌های صاحب‌کار بر حق‌الزحمه حسابرسی. نشریه علمی پژوهشهای راهبردی بودجه و مالی دوره ۲، شماره ۳، ۴۳-۸۶.
۱۶. سلیمی، ق.، کشاورزی، ف. و حیدری، ا. (۱۳۹۳). مطالعه تجربی رابطه توانمندسازی روان‌شناختی و بلوغ رفتار تسهیم دانش دانشجویان دکتری دانشگاه شیراز، فصلنامه علمی- پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۵(۳)، ۲۲-۱.
۱۷. سهرابی، ب.، رئیسی وانانی، ا. و علی‌دوستی س. (۱۳۸۹). ارائه مدلی کاربردی برای سنجش بلوغ مدیریت دانش در صنعت نرم‌افزار، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست علم و فناوری، ۱، ۶۳-۷۹.
۱۸. سهرابی، ب.، فروزنده، س. و رئیسی وانانی، ا. (۱۳۹۰). ارائه مدلی جامع برای ارزیابی تسهیم دانش در سازمان‌های پروژه محور دولتی بر مبنای عوامل انسانی، سازمانی و فنی، مدیریت دولتی، ۳(۷)، ۱۱۴-۹۵.
۱۹. سید جوادین، سید رضا (۱۳۸۶). تئوری‌های مدیریت، تهران، نگاه دانش، چاپ سوم.
۲۰. شامی، ع.، خزائی پول، ج.، شعبانی نفت چالی، ج.، بالوئی جام‌خانه، ه. و صالح زاده، ر. (۱۳۹۱). تأثیر تسهیم دانش بر نوآوری و عملکرد شرکت‌های کوچک و متوسط با رویکرد کارت امتیازی متوازن، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات مدیریت (پهپود و تحول)، ۲۲(۶۹)، ۹۳-۵۹.
۲۱. طاهری، ز.، مرادی، م. و جباری نوقانی، م. (۱۳۹۵). بررسی رابطه ادراک از فرصت‌های رشد حرفه‌ای و میل به جابه‌جایی حسابرسان، دانش حسابرسی، ۱۶(۶۵)، ۲۱۳-۱۹۹.
۲۲. عظیمی، حسین، جعفری، حمیدرضا. (۱۴۰۲). تأثیر تحولات مدیریت دانش و سازگاری سازمانی بر ابعاد سه‌گانه فرآیند عملکرد داخلی، عملکرد مشتری و یادگیری و رشد. علوم و فنون مدیریت اطلاعات، ۲۹(۲)، ۳۷۰-۳۳۹.

۲۳. فروغی، داریوش؛ سهیلی، سیروس. (۱۳۹۱). مدیریت دانش برای اجرای موفقیت‌آمیز سیستم برنامه‌ریزی منابع سازمانی و بررسی تأثیر آن بر فرآیندهای حسابداری. چهارمین کنفرانس ملی مدیریت مهندسی و مدیریت نوآوری ایران، خلاقیت‌شناسی سازمانی صنعتی مدیریتی، تریز و بیونیک.
۲۴. قلیچ لی، ب. و اسدی قراباغی، م. (۱۳۹۴). تأثیر نیت و شایستگی‌های تسهیم دانش بر عملکرد شغلی مدیران سازمان‌های پروژه محور (مطالعه موردی: شرکت مدیریت توسعه صنایع پتروشیمی)، پژوهش‌های مدیریت در ایران، ۱۹(۴)، ۱۸۴-۱۶۱.
۲۵. گرامی، آمنه؛ حمید، صبیحه؛ غفوریان، عاطفه؛ (۱۴۰۱). تأثیر مدیریت دانش بر سرمایه فکری، سرمایه اجتماعی و نوآوری شرکت، چشم انداز حسابداری و مدیریت زمستان ۱۴۰۱، دوره پنجم - شماره ۶۹ (جلد دوم) (۲۰ صفحه - از ۱۷ تا ۳۶).
۲۶. گل محمدی شورکی، مجتبی. زارع مهرجردی، ابوالفضل. (۱۴۰۰). قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری و تلاش حسابرسی. مطالعات تجربی حسابداری مالی دوره ۱۸، شماره ۷۰، ۱۱۳-۱۳۸.
۲۷. منصوری، ح.، طاهری دمنه، م. و کنجکاو منفرد، ا. ر. (۱۳۹۰). ارزیابی تأثیر راهبرد مدیریت دانش بر کارکردهای مدیریت منابع انسانی در کتابخانه‌های دانشگاهی و مؤسسات آموزش عالی با استفاده از رویکرد BSC، پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات، ۲۷(۱)، ۲۷۸-۲۶۳.
۲۸. میرزایی‌مهر، غلامرضا و علیرضا فضل‌زاده. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر مدیریت دانش بر عملکرد مؤسسات حسابرسی با نقش میانجی یادگیری سازمانی، چشم انداز حسابداری و مدیریت. ۱(۵): ۱۴-۱.
۲۹. نادریان، ه. (۱۳۹۳). تحلیلی بر شرایط حرفه حسابرسی، حسابرس، ۷۰، ۴۲-۴۸.
۳۰. نایلی، محمدعلی (۱۳۷۳). انگیزش در سازمان‌ها، اهواز: دانشگاه شهید چمران، چاپ اول.
۳۱. نیکبخت، محمدرضا؛ منتی، وحید؛ رضایی، ذبیح‌الله و علی رحمانی. (۱۳۹۷). کیفیت حسابرسی داخلی در ایران: چالش‌ها و موانع. فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۷ (۲۷)، ۴۱-۵۶.
۳۲. واعظ، سیدعلی؛ رمضان احمدی، محمد و محسن رشیدی باغی. (۱۳۹۳). تأثیر کیفیت حسابرسی بر حق‌الزحمه حسابرسی شرکت‌ها، دانش حسابداری مالی. ۱(۱): ۱۰۷-۸۷.
۳۳. وجودی نوبخت، آرمین. حقیقت، حمید. یحیایی سهزایی، مهدی. (۱۴۰۱). بررسی رابطه رقابت در صنعت و حق‌الزحمه حسابرسی با تأکید بر اثر تعدیلی تخصص حسابرسان در صنعت و اندازه موسسه حسابرسی. پژوهش‌های راهبردی بودجه و مالی دوره ۳، شماره ۱، ۴۵-۶۹.
۳۴. هادیزاده مقدم، ا.، قلیچ لی، ب. و محبی، پ. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین تسهیم دانش و نوآوری در سازمان‌های خدمات مالی: بانک رفاه کارگران، پژوهش‌های مدیریت در ایران، ۱۷(۱)، ۲۰۷-۱۸۷.
۳۵. Blay, Allen, D and Jonathan, Nash. (۲۰۲۳). Within or across Auditors? Understanding Knowledge Transfer in Audit Production. Accounting Horizons, ۳۷ (۳), ۱-۲۶.
۳۶. Bills, K. L., D. J. Jeter, and S. E. Stein. (۲۰۱۵). Auditor industry specialization and evidence of cost efficiencies in homogeneous industries. The Accounting Review, ۹۰ (۵), ۱۷۲۱-۱۷۵۴.
۳۷. Cairney, T. D., and E. G. Stewart. (۲۰۱۵). Audit fees and client industry homogeneity. Auditing: A Journal of Practice & Theory, ۳۴ (۴), ۳۳-۵۷.
۳۸. Carson, E., and N. Fargher. (۲۰۰۷). Note on audit fee premiums to client size and industry specialization. Journal of Accounting and Finance, ۴۷ (۳), ۴۲۳-۴۴۶.
۳۹. De Franco, G., S. P. Kothari, and R. Verdi. (۲۰۱۱). The benefits of financial statement comparability. Journal of Accounting Research, ۴۹ (۴), ۸۹۵-۹۳۱.
۴۰. Ferguson, A., J. R. Francis, and D. J. Stokes. (۲۰۰۶). What matters in audit pricing: Industry specialization or overall market leadership? Accounting and Finance, ۴۶ (۱), ۹۷-۱۰۶.
۴۱. Fung, S. Y., F. A. Gul, and J. Krishnan. (۲۰۱۲). City-level auditor industry specialization, economies of scale, and audit pricing. The Accounting Review, ۸۷ (۴), ۱۲۸۱-۱۳۰۷.



۴۲. Fields, L. P., D. R. Fraser, and M. S. Wilkins. (۲۰۰۴). An investigation of the pricing of audit services for financial institutions. *Journal of Accounting and Public Policy*, ۲۳ (۱), ۵۳-۷۷.
۴۳. Huang, H.-W., L.-L. Liu, K. Raghunandan, and D. V. Rama. (۲۰۰۷). Auditor industry specialization, client bargaining power, and audit fees: Further evidence. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, ۲۶ (۱), ۱۴۷-۱۵۸.
۴۴. Neal, T.L., Riley, R.R. (۲۰۰۴) Auditor industry specialist research design. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, ۲۳(۲), ۱۶۹-۱۷۷.
۴۵. Zhang, J. H. (۲۰۱۸). Accounting comparability, audit effort, and audit outcomes. *Contemporary Accounting Research*, ۳۵ (۱), ۲۴۵-۲۷۶.
۴۶. Abdul Manaf, H. (۲۰۰۸). The success of Malaysian local authorities: the roles of personality and sharing tacit knowledge, International conference on administrative development toward excellence in public sector performance, Riyaz: November ۱-۴.
۴۷. Ahn, Hyejin. & Sonu, Catherine Heyjung. (۲۰۲۰): The effect of audit partner style on financial statement comparability, *Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics*, DOI: ۱۰.۱۰۸۰/۱۶۰۸۱۶۲۵, ۲۰۲۰, ۱۸۴۴۹۹۹
۴۸. AL Theebah, Ziad Abdul Halim, AL-Mubaydeen, Tareq Hammad, Fawzi Ismael, Mahmoud. (۲۰۱۸). The Effect of Applying the Organization Enterprise Resource Planning System (ERP) in the Quality of Internal Audit: A Case of Jordanian Commercial Banks, *International Journal of Economics and Finance*; Vol. ۱۰, No. ۵.
۴۹. Alavi, M. & Leidner, D. E. (۲۰۰۱). Knowledge management and knowledge management systems: conceptual foundations and research issues, *MIS Quarterly*, ۲۵(۱), ۱۰۷-۱۳۶.
۵۰. Al-Ghassani, A., Kamara, J., Anumba, C. & Carrillo, P. (۲۰۰۶). Prototype system for knowledge problem definition. *Journal of Construction Engineering and Management*, ۱۳۲(۵), ۵۱۶-۵۲۴.
۵۱. Antle, R., and B. Nalebuff. (۱۹۹۱). Conservatism and auditor-client negotiations. *Journal of Accounting Research* ۲۹ (Supplement): ۳۱-۵۴.
۵۲. Antonova, A., Csepregi, A. & Marchev Jr, A. (۲۰۱۱). How to extend the ICT used at organizations for transferring and sharing knowledge. *IUP Journal of Knowledge Management*, ۹(۱), ۳۷-۵۶.
۵۳. Ardichvili, A., Page, V. & Wentling, T. (۲۰۰۳). Motivation and barriers to participation in virtual knowledge sharing communities of practice, *Journal of Knowledge Management*, ۷(۱): ۶۴-۷۷.
۵۴. Asare, S., G. Trompeter, and A. Wright. (۲۰۰۰). The effect of accountability and time budgets on auditors' testing strategies judgments. *Contemporary Accounting Research* ۱۷ (۴): ۵۳۹-۵۶۰.
۵۵. Bahar, N., & Bahri, S. (۲۰۱۷). Knowledge Management Process-Oriented Strategy for Healthcare Organizations. *International Journal of Knowledge Management (IJKM)*, ۱۳(۴), ۷۳-۸۹.
۵۶. Ballou, B., C.E. Earley, and J.S. Rich. (۲۰۰۴). The impact of strategic-positioning information on auditor judgments about business-process performance. *Auditing: A Journal of Practice & Theory* ۲۲ (۲): ۱-۸۸.
۵۷. Baraño, A., de Vasconcelos, J.B., Rocha, A. and Pereira, R. (۲۰۱۷). A knowledge management approach to capture organizational learning networks. *International Journal of Information Management*, Vol. ۳۷ No. ۶, pp. ۷۳۵-۷۴۰.
۵۸. Barakaat, A. (۲۰۱۱). Measuring the Impact of ERP Application on Return on Investment, Applied Study. University of Alshaqra', Saudi Arabia (International Forum on Intellectual Capital in Arab Business Organizations in Modern Economies).
۵۹. Becker, C.L., M.L. DeFond, J.J. Jiambalvo, and K.R. Subramanyam. (۱۹۹۸). The effect of audit quality on earnings management. *Contemporary Accounting Research* ۱۵ (۱): ۱-۲۴.
۶۰. Blay, A. D., Mauler, L., & Nash, J. (۲۰۲۳). Within or across Auditors? Understanding Knowledge Transfer in Audit Production. *Accounting Horizons*, ۳۷(۳), ۱-۲۶.
۶۱. Bratianu, C. & Orzea, I. (۲۰۱۰). Tacit knowledge sharing in organizational knowledge dynamics, *Journal of Knowledge Management Practice*, ۱۱(۲), ۱۰۷-۱۱۴.

۶۲. Cabrera, A., Collins, W. C. & Salgado, J. F. (۲۰۰۶). Determinants of individual engagement in knowledge sharing. *The International Journal of Human Resource Management*, ۱۷(۲), ۲۴۵-۲۶۴.
۶۳. Campbell, J., & Yeung, P. E. (۲۰۱۳). Comparability, Investor Sophistication, and Contagion Effects. Financial Accounting and Reporting Section Midyear Meeting, San Diego, California, January ۱۲, ۲۰۱۳.
۶۴. Caramanis, C., and C. Lennox. (۲۰۰۸). Audit effort and earnings management. *Journal of Accounting and Economics*, ۴۵ (۱): ۱۱۶-۱۳۸.
۶۵. Caramanis, C., and C. Lennox. (۲۰۰۸). Audit effort and earnings management. *Journal of Accounting and Economics*, ۴۵ (۱): ۱۱۶-۱۳۸.
۶۶. Chen J., Zhu Z. & Xie, H. Y. (۲۰۰۴). Measuring intellectual capital: a new model and empirical study, *Journal of Intellectual Capital*, ۱(۱), ۱۹۵-۲۱۲.
۶۷. Chow, C. W., Ho, J. L. & Vera-Muñoz, S. C. (۲۰۰۸). Exploring the extent and determinants of knowledge sharing in audit engagements, *Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics*, ۱۵, ۱۴۱-۱۶۰.
۶۸. Cloninger, S. (۲۰۰۴). *Theories of personality: Understanding persons*. New Jersey: Pearson Prentice Hall.
۶۹. Constant, D., Kiesler, S. & Sproull, L. (۱۹۹۴). What's mine is ours, or is it? A study of attitudes about information sharing. *Information Systems Research*, ۵(۴): ۴۰۰-۴۲۱.
۷۰. Davenport, T. H. & Prusak, L. (۱۹۹۸). *Working knowledge: how organizations manage what they know*, Boston, Harvard Business School Press.
۷۱. Davis, L.R., D.N. Ricchiute, and G. Trompeter. (۱۹۹۳). Auditor effort, audit fees, and the provision of nonaudit services to audit clients. *The Accounting Review* ۶۸ (۱): ۱۳۵-۱۵۰.
۷۲. De Franco, G., Kothari, S. P., & Verdi, R. S., (۲۰۱۱). The benefits of financial statement comparability. *Journal of Accounting Research*, Vol ۴۹, Issue ۴, ۸۹۵-۹۳۱.
۷۳. DeAngelo, L. (۱۹۸۱). Auditor size and audit quality. *Journal of Accounting and Economics* ۳ (۳): ۱۸۳-۱۹۹.
۷۴. DeFond, M., Hu, X., & Hung, M., Li, S. (۲۰۱۱). The impact of mandatory IFRS adoption on foreign mutual fund ownership: The role of comparability. *Journal of Accounting and Economics*, Vol ۵۱, Issue ۳, ۲۴۰-۲۵۸.
۷۵. Dezi, L., Ferraris, A., Papa, A. and Vrontis, D. (۲۰۱۹). The role of external embeddedness and knowledge management as antecedents of ambidexterity and performances in Italian SMEs. *IEEE Transactions on Engineering Management*, Vol. ۶۸ No. ۲, pp. ۳۶۰-۳۶۹.
۷۶. Duh, Rong-Ruey, W. Robert Knechel, and Ching-Chieh Lin. "The effects of audit firms' knowledge sharing on audit quality and efficiency." *Auditing: A Journal of Practice & Theory* ۲۹, no. ۲ (۲۰۲۰): ۵۱-۷۹.
۷۷. Fen Lin, H. (۲۰۰۷). Knowledge sharing and firm innovation capability: an empirical study, *International Journal of Manpower*, ۲۸(۳/۴), ۳۱۵-۳۳۲.
۷۸. Financial Accounting Standards Board. (۱۹۸۰). *Qualitative Characteristics of Accounting Information*. Statement of Financial Accounting Concepts No. ۲. Norwalk, CT: FASB, <http://www.fasb.org/pdf/con۲.pdf>.
۷۹. Financial Accounting Standards Board. (۲۰۱۰). *Statement of Financial Accounting Concepts No. ۸*, <http://www.fasb.org/jsp/FASB/Page/PreCodSectionPage&cid=۱۱۷۱۱۵۶۳۱۷۹۸۹>.
۸۰. Francis, J.R. (۲۰۱۱). A framework for understanding and researching audit quality. *Auditing: A Journal of Practice & Theory* ۳۰ (۲): ۱۲۵-۱۵۲.
۸۱. Gray, P. H. (۲۰۰۱). The impact of knowledge repositories on power and control in the workplace, *Information Technology and People*, ۱۴(۴): ۳۶۸-۳۸۴.
۸۲. Gupta, B. (۲۰۰۸). Role of personality in knowledge sharing and knowledge acquisition behavior, *Journal of the Indian Academy of Applied Psychology*, ۳۴(۱): ۱۴۳-۱۴۹.
۸۳. Hall, R. & Andriani, P. (۲۰۰۲). Managing knowledge for innovation. *Long Range Planning*, ۳۵(۱), ۲۹-۴۸.
۸۴. He, X., Kothari, S. P., Xiao, T., & Zuo, L. (۲۰۲۲). Industry-specific knowledge transfer in audit firms: Evidence from audit firm mergers in China. *The Accounting Review*, ۹۷(۳), ۲۴۹-۲۷۷.



۸۵. Holdt, C. P. (۲۰۰۷). Knowledge sharing: moving away from the obsession with best practices, *Journal of Knowledge Management*, ۱۱(۱), ۳۶-۴۷.
۸۶. Holsapple, C.W. & Singh, M. (۲۰۰۱). The knowledge chain model: activities for competitiveness, *Expert System with Applications*, ۲۰(۱), ۷۷-۹۸.
۸۷. Hribar, P., T. Kravet, and R. Wilson. (۲۰۱۴). A new measure of accounting quality. *Review of Accounting Studies* ۱۹ (۱): ۵۰۶-۵۳۸.
۸۸. Hsu, B. F., Wu, W. L. & Yeh, R. S. (۲۰۰۷). Personality composition, affective tie and knowledge sharing: A team level analysis, *PICMET ۲۰۰۷ Proceedings*, August, ۲۵۸۳-۲۵۹۲.
۸۹. Huysman, M. (۲۰۰۶). IT to support knowledge sharing in communities: towards a social capital analysis, *Jornal of Information Technology*, ۲۱(۳), ۴۰-۵۱.
۹۰. Ireson, N. & Burel, G. (۲۰۱۰). Knowledge Sharing in eCollaboration. ۹th IFIP WG ۸,۵ International Conference on Electronic Government, Lausanne, Switzerland, UK: University of Sheffield, ۳۵۱-۳۶۲.
۹۱. Kamasak, R. & Bulutlar, F. (۲۰۱۰). The influence of knowledge sharing on innovation, *European Business Review*, ۲۲(۳), ۳۰۶-۳۱۷.
۹۲. Kharuddin, Khairul Ayuni Mohd. Basioudis, Ilias G. Hay, David. (۲۰۱۹). Partner industry specialization and audit pricing in the United Kingdom, *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation* ۳۵: ۵۷-۷۰.
۹۳. Kim, S., Kraft, P., & Ryan, S. (۲۰۱۳). Financial statement comparability and credit risk. *Review of Accounting Studies*, Vol ۱۸, Issue ۲, ۷۸۳-۸۲۳.
۹۴. Kollock, P. (۱۹۹۹). The economies of online cooperation: gifts and public goods in cyberspace, In: *Communities in Cyberspace* Kollock and Smith (Eds.), New York: Routledge.
۹۵. Lin H.F. (۲۰۰۷) Effects of extrinsic and intrinsic motivation in employee knowledge sharing intentions. *Journal of Information Science*, ۳۳(۲): ۱۳۵-۱۴۹.
۹۶. Ling, C.W., Sandhu, M.S. & Jain, K.K. (۲۰۰۹). Knowledge sharing in an American multinational company based in Malaysia, *Journal of Workplace Learning*, ۲۱(۲), ۱۲۵-۴۲.
۹۷. Matzler, K. & Mueller, J. (۲۰۱۱). Antecedents of knowledge sharing-Examining the influence of learning and performance orientation. *Journal of Economic Psychology*, ۳۲(۳), ۳۱۷-۳۲۹.
۹۸. Matzler, K., Renzl, B., Mooradian, T., von Krogh, G. & Mueller, J. (۲۰۱۱). Personality traits, affective commitment, documentation of knowledge, and knowledge sharing. *The International Journal of Human Resource Management*, ۲۲(۱۰), ۲۹۶-۳۱۰.
۹۹. McDaniel, L.S. (۱۹۹۰). The effects of time pressure and audit program structure on audit performance. *Journal of Accounting Research* ۲۸ (۲): ۲۶۷-۲۸۵.
۱۰۰. Mergenthaler, R.D., Chen, C.W., Collins, D.W. & Kravet, T. (۲۰۱۴). Financial statement comparability and the efficiency of acquisition decisions. *Financial Accounting and Reporting Section Midyear Meeting*, Houston, Texas, Jan ۱۰, ۲۰۱۴.
۱۰۱. Mesmer-Magnus, J. R. & DeChurch, L. A. (۲۰۰۹). Information sharing and team performance: a meta-analysis, *Journal of Applied Psychology*, ۹۴(۲), ۵۳۵-۵۴۶.
۱۰۲. Michailova, S. & Husted, K. (۲۰۰۳). Knowledge-sharing hostility in Russian firms, *California Management Review*, ۴۵(۳), ۵۹-۷۷.
۱۰۳. Minu Ipe. (۲۰۰۳). Knowledge sharing in organizations: A conceptual framework, *Human Resource Development Review*, ۲(۴): ۳۳۷-۳۵۹.
۱۰۴. Mládková, L. (۲۰۱۲), Sharing tacit knowledge within organizations: evidence from the Czech Republic, *Global Journal of Business Research*, ۶(۲): ۱۰۵-۱۱۵.
۱۰۵. Nonaka, I. & Takeuchi, H. (۱۹۹۵). *The knowledge creating company*, New York, Oxford University Press.
۱۰۶. O'Donnell, E., and J. Schultz. (۲۰۰۵). The halo effect in business risk audits: Can strategic risk assessment bias auditor judgment about accounting details? *The Accounting Review* ۸۰ (۳): ۹۲۱-۹۳۸.
۱۰۷. Oyemomi, O., Liu, Sh. Neaga, I. & Alkhuraiji, A. (۲۰۱۶). How knowledge sharing and business process contribute to organizational performance: using the fsQCA approach, *Journal of Business Research*, ۶۹(۱۱), ۵۲۲۲-۵۲۲۷.
۱۰۸. Paghaleh, M. J. (۲۰۱۱). Importance of knowledge management in research and development process, *Business Management Dynamics*, ۱(۳), ۱۳-۱۶.

۱۰۹. Palmrose, Z-V. (۱۹۸۸). An analysis of auditor litigation and audit service quality. *The Accounting Review* ۶۳ (۱): ۵۵-۷۳.
۱۱۰. Peecher, M., R., Schwartz, and I. Solomon. (۲۰۰۷). It's all about quality: Perspectives on strategic-systems auditing. *Accounting, Organizations and Society* ۳۲ (۴-۵): ۴۶۳-۴۸۶.
۱۱۱. Radding, A. (۱۹۹۸). *Knowledge Management: Succeeding in the information-based global economy*, Charleston (SC): Computer Technology Corp.
۱۱۲. Rehman, S.-U., Kraus, S., Shah, S.A., Khanin, D. and Mahto, R.V. (۲۰۲۱). Analyzing the relationship between green innovation and environmental performance in large manufacturing firms. *Technological Forecasting and Social Change*, Vol. ۱۶۳, p. ۱۲۰۴۸۱.
۱۱۳. Sáenz, M. (۲۰۱۹). A conceptual framework for the measurement of innovation capability and its effects. *Baltic Journal of Management*, ۷(۴), ۳۵۵-۳۷۵.
۱۱۴. Schilligo, J. A. (۲۰۰۷). Predictors of effective knowledge management. ProQuest.
۱۱۵. Seba, I., Rowley, J. & Lambert, S. (۲۰۱۲). Factors affecting attitudes and intentions towards knowledge sharing in the Dubai police force, *International Journal of Information Management*, ۳۲(۴), ۳۷۲-۳۸۰.
۱۱۶. Seetharaman A, Sooria H. H. B. Z. & Saravanan A. S. (۲۰۰۲). Intellectual
۱۱۷. capital accounting and reporting in the knowledge economy, *Journal of*
۱۱۸. *Intellectual Capital*, ۳(۲), ۱۲۸-۱۴۸.
۱۱۹. Shih, R. & Jer Lou, S. (۲۰۱۱), The development and application of a knowledge sharing behavior model for Taiwanese junior high school english teachers, *African Journal of Business Management*, ۵(۳۰), ۱۲۰۶۶-۱۲۰۷۵.
۱۲۰. Siemsen, E., Roth, A. V. & Balasubramanian, S. (۲۰۰۸). How motivation, opportunity, and ability drive knowledge sharing: the constraining-factor model. *Journal of Operations Management*, ۲۶(۳), ۴۲۶-۴۴۵.
۱۲۱. Simunic, D. (۱۹۸۰). The pricing of audit services: Theory and evidence. *Journal of Accounting Research* ۱۸ (۱): ۱۶۱-۱۹۰.
۱۲۲. Simunic, D., and M.T. Stein. (۱۹۹۶). Impact of litigation risk on audit pricing: A review of the economics and the evidence. *Auditing: A Journal of Practice & Theory* ۱۵ (Supplement): ۱۱۹-۱۳۴.
۱۲۳. Sukumar, A., Jafari-Sadeghi, V., Garcia-Perez, A. and Dutta, D.K. (۲۰۲۰). The potential link between corporate innovations and corporate competitiveness: evidence from IT firms in the UK. *Journal of Knowledge Management*, Vol. ۲۴ No. ۵, pp. ۹۶۵-۹۸۳.
۱۲۴. Sun, Jinghui. Li, Liuchuang. Qi, Baolei. (۲۰۲۲). Financial statement comparability and audit pricing, *Accounting & Finance*. ۲۰۲۲; ۱-۳۱.
۱۲۵. Tiwana, A. (۲۰۰۰). *The knowledge management toolkit: Practical techniques for building a knowledge management system*, Upper Saddle River, NJ: Prentice Hall.
۱۲۶. Trivellasa, P., Akrivouli, Z., Tsifora, E. & Tsoutsas, P. (۲۰۱۵). The impact of knowledge sharing culture on job satisfaction in accounting firms. The mediating effect of general competencies, *Procedia Economics and Finance*, ۱۹, ۲۳۸-۲۴۷.
۱۲۷. Vera-Muñoz, S. C., Ho, J. L. & Chow, C. W. (۲۰۰۶). Enhancing knowledge sharing in public accounting firms, *Accounting Horizons*, ۲۰(۲), ۱۳۳-۱۵۵.
۱۲۸. Voelpel, S. C., Dous, M. & Davenport, T. H. (۲۰۰۵). Five steps to creating a global knowledge-sharing system: Siemens' ShareNet, *Academy of Management Executive*, ۱۹(۲), ۹-۲۳.
۱۲۹. Wang, Sh. & Noe, R. (۲۰۱۰). Knowledge sharing: a review and directions for future research, *Human Resource Management Review*, ۲۰(۲), ۱۱۵-۱۳۱.
۱۳۰. Wanga, Z. & Wang, N. (۲۰۱۲). Knowledge sharing, innovation and firm performance, *Expert Systems with Applications*, ۳۹, ۸۸۹۹-۸۹۰۸.
۱۳۱. Wasko, M. M. & Faraj, S. (۲۰۰۵). Why should I share? examining social capital and knowledge contribution in electronic networks of practice. *MIS Quarterly*, ۲۹(۱): ۳۵-۵۷.
۱۳۲. Whisenant, S., S. Sankaraguruswamy, and K. Raghunandan. (۲۰۰۳). Evidence on the joint determination of audit and non-audit fees. *Journal of Accounting Research* ۴۱ (۴): ۷۲۱-۷۴۴.